

Religious Approaches and Ideological Foundations in the Samnameh

Elham Hasanshahi

PhD student of Persian Language and Literature, Yazd University, Iran, elhamhasanshahi@yahoo.com

Mohammadreza Najjarian

Professor of Persian Language and Literature, Yazd University, Iran, reza_najjarian@yazd.ac.ir

Majid Pooyan*

Assistant Professor of Persian Language and Literature, Yazd University, Iran, pooyan@yazd.ac.ir

Abstract

With the acceptance of the Islamic faith by the Iranians, a huge wave of Islamic and Semitic beliefs and myths followed by mystical elements, affects the epic literature of our homeland. These factors cover a wide range of changes, from structural changes to content changes, to the extent that the change in the ideology of the author of the work affects the storytelling process, the actions and behavior of the heroes of the story, the interaction between the characters of the story and even in determining the hero's destiny and many other issues. By analyzing the effects of the element of religion in Samnameh, that Islamic and Quranic thoughts and themes in the system are highly frequent, to the extent that the mastership of the epic hero, and consequently of his companions, are in promoting monotheistic and, sometimes, explicitly Islamic beliefs and national goals will be prioritized. Also, the themes and mystical and mystical thinking, in the shadow of the religion of Islam, are also reflected in this work, which has become evident in the sections of Khaju Kermani. In this study, we have decided to examine the main effects of religion in the epic of Samnameh and from this perspective, in addition to achieving the above-mentioned goals, which are the basis of our research, we endorse the epic of samnameh written in different periods of history.

Keywords: National Epic, Samnameh, Religious Elements, Ideological Themes

* Corresponding author

فصل‌نامه متن‌شناسی ادب فارسی (علمی- پژوهشی)
معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان
سال پنجاه و چهارم، دوره جدید، سال دهم
شماره چهارم (پیاپی ۴۰)، زمستان ۱۳۹۷، صص ۲۱-۴۰
تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۰۵/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۱/۲۶

رویکردهای مذهبی و بنیادهای ایدئولوژیک در سام‌نامه

الهام حسن‌شاهی* - محمدرضا نجاریان** - مجید پویان***

چکیده

پس از ورود و پذیرش آیین اسلام در ایران، موج گسترده‌ای از باورها، اسطوره‌های اسلامی و سامی و در پی آن عناصر عرفانی، ادبیات حماسی ایران را تحت تأثیر قرار داد. این تأثیرات دامنه وسیعی از تغییر و دگرگونی‌های ساختاری و محتوایی را در بر گرفت؛ به گونه‌ای که تغییر ایدئولوژی نویسنده بر مسائل بسیاری اثر گذاشت که از آن جمله به جریان داستان، اعمال و رفتار قهرمانان، تعامل میان شخصیت‌های داستان و حتی تعیین سرنوشت قهرمانان می‌توان اشاره کرد. با تحلیل تأثیرهای عنصر مذهب در سام‌نامه می‌توان دریافت اندیشه‌ها و مضامین اسلامی و قرآنی در این اثر نمود بسیاری دارد؛ به طوری که خویشکاری پهلوان و قهرمان اصلی حماسه و یاران و همراهان او در ترویج عقاید یکتاپرستانه و حتی گاهی آشکارا در راستای گسترش باورهای اسلامی است و اهداف ملی در اولویت‌های بعدی قرار می‌گیرد. مضامین و تفکر عرفانی و صوفیانه در سایه دین اسلام، نمودهایی در این اثر دارد که در بخش‌های سروده‌ی خواجه‌ی کرمانی می‌توان آنها را دریافت. این پژوهش از نوع بنیادی و مبنای کار برپایه شیوه تحلیلی، توصیفی و کتابخانه‌ای است. نگارندگان کوشیده‌اند اصلی‌ترین تأثیرهای دین را در حماسه سام‌نامه واکاوی کنند و از این راه افزون‌بر دستیابی به اهداف بالا که اساس این پژوهش است، این نکته را تأیید کنند که سام‌نامه حماسه‌ای است که در دوران‌های مختلفی از تاریخ سروده شده است.

واژه‌های کلیدی

حماسه ملی، سام‌نامه، عناصر مذهبی، مضامین ایدئولوژیک

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه یزد، ایران elhamhasanshahi@yahoo.com

** استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه یزد، ایران reza_najjarian@yazd.ac.ir

*** استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه یزد، ایران (نویسنده مسئول) pooyan@yazd.ac.ir

۱- مقدمه

نقد محتوایی در حوزه زبان و ادبیات فارسی رویکردی در تحلیل متون است. از این رویکرد برای بررسی جنبه‌های خلاقانه در اثر ادبی و شناخت و دریافت مضامین و درون‌مایه‌های آن استفاده می‌شود. در این پژوهش از این چشم‌انداز، به عناصر مربوط به مذهب و ایدئولوژی با نگرش داور و نقد توجه می‌شود. نگارندگان در این رویکرد بر آن اند تا با تحلیل این عناصر، جایگاه هر یک را تبیین و ریشه‌یابی کنند. با دستیابی به این زیرساخت‌ها و مبانی، به اهدافی می‌توان دست یافت. تعیین جایگاه مذهب در *سام‌نامه*، یکی از آثار حماسی در ادب پارسی، نخستین هدف است. هدف دیگر بررسی میزان تأثیرپذیری این اثر از مذهب و عناصر ایدئولوژیک است. به‌طور کلی آثار ادبی از جمله منظومه‌های حماسی و غنایی از درون جامعه و مردم سرچشمه می‌گیرند؛ در نتیجه با تحلیل مضمون، این اثر را از نظر فرهنگ عامه و بازتاب آداب و رسوم و آیین‌ها در آن می‌توان بررسی کرد.

۱-۱ پرسش‌های پژوهش

۱. مذهب در *سام‌نامه*، آخرین حماسه پهلوانی در ادب فارسی، چه جایگاهی دارد؟
۲. ایدئولوژی نگارنده اثر، بر روند داستان، اعمال و رفتار قهرمانان داستان، تعامل میان شخصیت‌های داستان و حتی در تعیین سرنوشت قهرمانان و... چقدر تأثیرگذار بوده است؟
۳. آیا مذهب، اهداف ملی‌گرایانه رایج در حماسه‌ها را تحت تأثیر قرار داده است؟
۴. آیا با تحلیل عنصر مذهب، می‌توان گفت *سام‌نامه* حماسه‌ای است که در دوران‌های مختلفی از تاریخ سروده شده است؟

۲-۱ پیشینه پژوهش

در متون تاریخ ادبیات، کتاب *حماسه‌سرایی در ایران* و متون منظوم پهلوانی، از *سام‌نامه* یاد شده است؛ اما این اشارت‌ها به خلاصه داستان و سراینده این اثر محدود است و تحلیلی درباره مسائل مذهبی *سام‌نامه* ارائه نمی‌دهد. درباره تحلیل و نقد و بررسی *سام‌نامه*، چند مقاله در سال‌های اخیر نگاشته شده است که بخشی از آنها تحلیل شخصیت سام از نظر اسطوره‌ای است؛ مانند مقاله «سام نمونه‌ای یلان سترگ» (سرکاراتی: ۱۳۷۰) و «شخصیت سام در *سام‌نامه* خواجوی کرمانی و گذشته اساطیری آن» (ندیم: ۱۳۷۰). مقاله‌هایی نیز درباره سراینده *سام‌نامه* و نسبت آن به خواجوی کرمانی وجود دارد که از آن جمله است: «یک داستان با دو نام» (رستگار فسایی: ۱۳۷۰) و «*سام‌نامه* از کیست؟» (رویانی و محمدزاده: ۱۳۸۶). مقاله «بررسی ساختار اسطوره‌ای در داستان *سام‌نامه*» (نظری اصطهباناتی: ۱۳۸۹) نیز در تحلیل اسطوره‌های موجود در متن *سام‌نامه* نوشته شده است. گفتنی است هیچ‌یک از پژوهش‌های یادشده به موضوع مذهب در *سام‌نامه* و مسائل مربوط به ترویج یگانه‌پرستی در این اثر نپرداخته و پژوهشی جامع در تحلیل این مسئله نگارش نشده است.

۲- مذهب سراینندگان *سام‌نامه*

سام‌نامه، منظومه‌ای حماسی و عاشقانه است که مانند همه منظومه‌های مشابه آن به تقلید از شاهنامه فردوسی نوشته شده است. ذبیح‌الله صفا، *سام‌نامه* را آخرین داستان منظوم از حماسه ملی ایران می‌داند و معتقد است این منظومه در اواخر

قرن هفتم و قرن هشتم هجری نوشته شده است (صفا، ۱۳۸۷: ۳۳۵).

بعضی از پژوهشگران در انتساب سام‌نامه به خواجه تردید دارند (همان: ۳۳۷). آرای بسیاری درباره‌ی ناظم و چگونگی سرایش سام‌نامه وجود دارد. در مجموع برپایه‌ی پژوهش‌های انجام‌شده (نتایج این تحقیقات به‌طور ویژه در مقاله «سام‌نامه از کیست؟» (رویانی و محمدزاده، ۱۳۸۶: ۱۵۹) آمده است) می‌توان گفت سام‌نامه یا به بیان دیگر، اثری که اکنون در دست ماست، از خواجه‌ی کرمانی نیست و اثری است که با آمیختن همای و همایون خواجه با داستان‌های فرعی ساخته شده است. گمان می‌رود این درآمیختن از قرن دهم به بعد روی داده است.

از میان پژوهشگرانی که درباره‌ی سام‌نامه پژوهش کرده‌اند، تنها ژول مول به مذهب سراینده اشاره کرده است. او در مقدمه‌ی شاهنامه، سام‌نامه را توصیف می‌کند و درباره‌ی مذهب نویسنده چنین می‌گوید: «تنها چیزی که از او می‌دانیم آن است که او مسلمان بوده و این از همان «بسم‌الله» آغاز نمایان است» (فردوسی، ۱۳۷۶: ۴۰ دیباچه). دلیل مول برای اثبات مسلمان‌بودن سراینده بسیار ضعیف است؛ زیرا ممکن است «بسم‌الله» افزوده‌ی کاتبان و یا به مقدمه‌ی همای و همایون مربوط باشد که به سام‌نامه وارد شده است. سراینده‌ی سام‌نامه در هیچ‌جا به مذهب خود اشاره‌ای نکرده و هیچ نشانه‌ی روشنی درباره‌ی مذهب او در این اثر وجود ندارد (ناشناس، ۱۳۹۲: سی و چهار)؛ اما در مجموع مسلمان‌بودن خواجه‌ی کرمانی، سراینده‌ی حدود چهار هزار بیت از سام‌نامه، قطعی است؛ البته با در نظر گرفتن پیران و مرادان عرفانی او، به نظر می‌رسد که اهل تسنن بوده است. رابطه و تعلق خاطر خواجه با عارفان بزرگ اهل سنت مانند علاءالدین سمنانی و سیف‌الدین باخرزی دلیلی بر این سخن است؛ همچنین ارادت او به خواجه برهان‌الدین که نسبتش به عثمان بن عفان می‌رسد، خود گویای اعتقادش به مذهب اهل سنت است (کتبی، ۱۳۶۴: ۴۶).

۳- علت‌های نفوذ و چگونگی نمود عناصر اسلامی در متن سام‌نامه

علت‌های نفوذ عناصر اسلامی در متن سام‌نامه به‌طور خلاصه در ادامه بیان می‌شود.

۳-۱ زمان سرایش و تأثیر فضای جامعه و بستر ظهور آن

ساختار، محتوا و زبان بخش‌هایی از سام‌نامه نقلی - عامیانه است؛ به همین سبب نکات و مضامین داستانی و بن‌مایه‌های ادب عامیانه - نقلی در آن دیده می‌شود؛ افزون‌بر این، واژگانی در این اثر کاربرد دارد که در متون و فرهنگ‌های مقدم بر عصر صفوی دیده نمی‌شود و همین نشانی بر این مدعاست که بخش‌های نامبرده به گمان بسیار مربوط به کمی بعد یا پیش از سروده‌های دوره‌ی صفویه است.

۳-۲ جلوگیری از رد و انکار و تحریم

داستان‌پردازان و نقالان برای در امان ماندن از رد و انکار و تحریم‌های رایج کوشیده‌اند شخصیت‌ها و عناصر سامی، اسلامی و شیعی را در ضمن روایت‌های ملی - پهلوانی ایران وارد کنند و با آمیختگی و پیوند مضامین دینی و ملی از بار مخالفت با آنها بکاهند. این کار، تدبیر ایرانیان برای مقابله با تدریج متعصبان بود؛ زیرا آنان با داستان‌ها، کسان و موضوعات ملی ایران به سبب تعلق آنها به دوره‌ی پیش از اسلام مخالف بودند و آنها را گبر و مجوس می‌نامیدند. همچنین داستان‌پردازان می‌کوشیدند تا افزون بر جلب نظر برخی از علمای مخالف با داستان‌گزاری و فروکاستن از رد و طعن و سخت‌گیری آنان، خواسته و حتی اعتقاد شنوندگان این داستان‌ها را نیز برآورند.

۳-۳ تمایل عموم مردم این دوران

در این دوره عموم مردم می‌پسندیدند و باور داشتند که شخصیت‌های ملی و محبوبشان مانند خود آنان مسلمان باشند و بی‌گمان رستم مسلمان و شیعه را که در خدمت حضرت سلیمان و کمر بسته امام علی^(ع) است، بسیار بیشتر از رستم یزدان پرست اما غیرمسلمان شاهنامه دوست داشتند. نقالان برای رعایت پسند و اعتقاد مخاطبشان می‌کوشیدند تا در روایت‌های نقالی عامیانه به شیوه‌های گوناگون این موضوع را بپرورند (آیدنلو، ۱۳۹۱: ۶۲).

روایت‌های منظوم و منثور نقالی - عامیانه ایرانی در موضوع پهلوانی محلی برای بازتاب عقاید و خواسته‌های دینی - مذهبی ایرانیان بوده است. آنها می‌پسندیدند که شخصیت‌های محبوب ملی خود را در باورهای اسلامی و شیعی‌شان شریک کنند. در این روایات بازتاب این گرایش‌ها گاه به این صورت رخ می‌نماید که قهرمان داستان در نقش مبلغ دینی ظاهر می‌شود و طرف مقابل را با موعظه‌ای دینی به یزدان‌پرستی فرامی‌خواند.

شخصیت‌های این داستان‌ها خود در ضمن رویدادهای روایات به شیوه‌های گوناگون با پیامبران امامان و آیین‌های اسلامی مرتبط‌اند و یا اینکه نقالان در تأویل‌های خود از شخصیت‌های داستان‌ها و ابیات به این رابطه‌سازی پرداخته‌اند (آیدنلو، ۱۳۹۰: ۱۲).

۳-۴ تأثیر مسایل اسلامی در طول سیر و دگرگونی تاریخی ادبیات

تأثیر مسایل اسلامی یا مربوط به روزگار فردوسی، در شاهنامه نیز دیده می‌شود و این‌گونه تأثیرپذیری‌ها یکی از ویژگی‌های انواع روایات ایرانی (رسمی و عامیانه و پیش و پس از اسلام) است. ورود عناصر سامی و اسلامی در داستان‌های ملی - پهلوانی و طومارهای نقالی نیز نمونه دیگری برای این موضوع است. سنت نقالی، با وجود پیروی کلی از داستان‌های ملی و پهلوانی ایران در مآخذ کهن و به ویژه توجه به شاهنامه فردوسی، در جزئیات با منابع نوشتاری مطابق نیست. در واقع نقالان و داستان‌گزاران در طول چند صد سال رواج این فن که در بین مردم از پذیرش ویژه‌ای برخوردار بوده است، همواره تخیل و خواسته‌های خود و نیز علایق و پسندهای عموم شنوندگان را در نقل شفاهی و سپس نگارش و تدوین طومارها دخالت داده‌اند.

۴- چگونگی نمود عناصر اسلامی در سام‌نامه

عناصر و نکات اسلامی و مذهبی، به شیوه‌های متفاوت و با رویکردهایی متنوع در سام‌نامه تجلی یافته که تحلیل و تأمل در آنها نیز از منظرهای گوناگون ممکن است؛ برای مثال به باورهای قهرمانان داستان و تلاش‌های ایشان در ترویج ایدئولوژی‌شان و نمودهایی درون‌مایه‌ای و زبانی در سراسر متن می‌توان اشاره کرد.

۴-۱ اعتقاد قهرمان سام‌نامه به خدا

در بخش‌های پایانی سام‌نامه، سام در آغاز نبرد با یاد خدا گام پیش می‌نهد و بر یزدان توکل می‌کند؛ همچنین در زمان عجز و گاه حیرت، از خدا یاری می‌جوید. در پایان آوردها و هنگام پیروزی رخ بر زمین می‌ساید و سپاس می‌گزارد و به‌طور کلی در همه احوال، پروردگار همراه اوست. این نکته‌ها در شاهنامه نیز دیده می‌شود؛ اما این موضوع در اینجا بسیار است و بارها به فاصله اندکی میان ابیات اتفاق می‌افتد؛ به گونه‌ای که زیبایی و ظرافت کلام را از بین می‌برد. اینکه سام به صورت یک غازی و مبلغ دین سر بر می‌افزاید، در حماسه‌های پیشین به ویژه شاهنامه وجود ندارد؛ اما این موضوعات با چنین لحن و ادبیاتی، در داستان‌های عامیانه مانند داستان امیر ارسلان نامدار و سایر نمونه‌های دیگر از ادبیات عامیانه و نقالی دیده می‌شود.

۴-۱-۱ اعتقاد سام (قهرمان منظومه) به یکتایی خداوندگار

یک منظومه حماسی مانند سایر گونه‌های ادبی آینه تمام‌نمای فرهنگ و اعتقاد سراینده آن است. به بیانی دیگر «لازمه یک منظومه حماسی تنها جنگ و خونریزی نیست؛ بلکه منظومه حماسی کامل، آن است که در عین توصیف پهلوانی‌ها و مردانگی‌های یک قوم، نماینده آراء و عقاید و تمدن او نیز باشد. این خاصیت در تمام منظومه‌های حماسی جهان موجود است» (صفا، ۱۳۸۷: ۳۰). نمونه این دیدگاه در سخنان سام دیده می‌شود:

بدو گفت سام یل ای بدگهرا! همه بندگانیم بر دادگر
که ایزد یکی باشد اندر جهان از او گشته پیدا کهان و مهان
(ناشناس، ۱۳۸۶: ۵۱۳)

۴-۱-۲ زدودن مشکلات با راز و نیاز

این سنت از دیرباز در فرهنگ و ادبیات بوده است. نمونه‌های کهن تر آن در *اوستا* و کامیابی پهلوانان و پادشاهان در سایه نیایش و قربانی دادن برای ایزدان و ایزدبانوان از این جمله است (ر.ک: *اوستا*، ۱۳۷۵: ۳۰۶) (آبان‌یشت، کرده ۱۳، بند ۵۰)؛ همان: ۳۵۹ (مهریشت، کرده ۷، بند ۲۶ و ۵).

سام نیز بارها با راز و نیاز، مشکلی را از پیش روی بر می‌دارد؛ برای مثال برای مقابله با آتش در دوزخ شداد از خدا یاری می‌جوید و خداوند، باران رحمت خود را بر او ارزانی می‌دارد و او را نجات می‌دهد:

یکی چاره ازبهر آتش بساز که بیچارگان را تویی چاره‌ساز
یکی برق و رعدی برآمد نهیب که سیلاب آمد ز بالا به شیب
(ناشناس، ۱۳۸۶: ۴۸۶)

۴-۱-۳ اعتقاد سام به یاریگری خداوند

این نکته افزون‌بر باورهای مذهبی سام از اصول و ویژگی‌های داستان‌های حماسی و اساطیری است. اسطوره قهرمان ویژگی بسیار مهمی دارد که کلید دستیابی به درک آن است. در بسیاری از این افسانه‌ها قدرت‌های پشتیبان یا نگهبان، ناتوانی ابتدایی قهرمان را جبران می‌کند و او با یاری این قدرت می‌تواند عملیاتی را انجام دهد که بدون کمک از آن، انجامش ناممکن است (یونگ، ۱۳۸۱: ۱۶۴). سام معتقد است:

مرا یار دادار یزدان بس است که در دهر او بی‌کسان را کس است
(ناشناس، ۱۳۸۶: ۶۵۹)

۴-۱-۴ ذکر نام خدا و ستایش پروردگار در همه احوال

سام در همه احوال، در آغاز و پایان نبردهایش (درواقع نبرد بیشترین اعمال و رفتار او را تشکیل می‌دهد) و برای هر عمل رزمی، از نام و یاد خدا غافل نیست. او ضمن ستایش خداوندگار و برشمردن صفات او و اعتراف به اینکه همه چیز در دست قدرت اوست و با توکل به او، نبردهایش را آغاز می‌کند و پیروزی‌اش را به یاری حق وابسته می‌داند:

بدانست فرخنده سام سوار که ایزد برافروختش نام و کار
ستایش نمود آفریننده را کز ایدر رهانید این بنده را
(همان: ۴۷۳)

الف) یاد خدا در هنگام حیرت و شگفتی

سام در زمان شگفتی و حیرت نیز خدا را می‌خواند:

سپهدار ازو در شگفتی بماند / بسی نام جان‌آفرین را بخواند
(همان: ۵۹۸)

ب) یاد خدا در آغاز نبرد و درخواست پیروزی در نبرد

خدای جهان را همی یاد کرد / کز او بود پیروز روز نبرد
بنالید بر داور داوران / کز او بود پیکار نام‌آوران
همی گفت که ای داور کردگار / تو آگاهی از گردش روزگار
که چندین ستم دیدم از روزگار / تو دانسی ایسا داور کردگار
کنونم در این رزم پیروز ساز / سر دیو جنگی درآرم به گز
(همان: ۶۷۷)

ج) یاد خدا در میانه آورد و در گیرودار نبرد

بنالید بر پاک یزدان خدا / همی گفت که ای داور رهنما
من خسته را دستگیری بکن / که زورم نتابد بر این اهرمن
(همان: ۶۸۷)

د) یاد خدا در پایان نبرد و در زمان پیروزی

رخ خویش بنهاد بر روی خاک / نیایش کنان پیش یزدان پاک
که ای خالق پاک پروردگار / تویی آفریننده روزگار
توانایی و قدرت ما ز توسط / شکیبایی و راحت ما ز توسط
ندانم جز از تو کسی را دگر / بندم بر درگه کس کمر
به فرّ تو این جادوی بدنژاد / به کشتی سرش را بدادم به باد
(همان: ۵۷۰)

ه) یاد خدا در هنگام درماندگی

سپهد فرماند و حربه نماند / در آن ماندگی نام یزدان بخواند
(همان: ۶۸۴)

۴-۱-۵ نمود استمداد و ستایش با عناصر فرهنگ اسلامی

گاه این ستایش و استمداد کاملاً تصویری اسلامی (در نبرد با ابرها) می‌یابد:

از آن آب روی و سر و تن بشست / به پیش جهاندار آمد نخست
بدان جا باستاد بهر نماز / بنالید بر داور بی‌نیاز
(همان: ۶۷۷)

۴-۱-۶ تجلی یگانه‌پرستی و جلوه‌های آن در سایر شخصیت‌های سام‌نامه

این ستایش و شکرگزاری و یاری‌طلبیدن از پروردگار درباره همه شخصیت‌های یکتاپرست سام‌نامه وجود دارد. آنان

در هنگام مشکلات و ناکامی‌ها به درگاه خدا می‌نالند و از او یاری می‌طلبند و در هنگام شادی شکر می‌گویند و ستایش می‌ورزند. نمونه آن راز و نیاز پریدخت و رضوان در هنگام اسارت (همان: ۴۰۰) و یا شکرگزاری منوچهر از دیدار دوباره سام پس از مدت‌ها و بازگشت سام به ایران است:

چو شه باز گم‌بوده را بازیافت
نیایش‌کنان پیش یزدان شتافت
سر خویش کرده سوی آسمان
که ای پادشاه زمین و زمان
سپاس از تو دارم نه از تخت و گنج
تو دادیم این گنج نابرده رنج
(همان: ۷۳۳)

۲-۴ تبلیغ دین و دگرگونی نقش سام به غازی

در آثار ادب عامیانه از نوع حماسی «از بزرگ‌ترین مقاصد قهرمانان رواج دادن دین درست و طریق یکتاپرستی و آیین خدانشناسی است که به اسلام تعبیر می‌کنند. آنکه قهرمان داستان قرن‌ها پیش از ظهور رسول اکرم زیسته و درگذشته، مثلاً اسکندر که قهرمان داستان عامیانه بسیار بزرگ/ اسکندرنامه است مقصد اصلی خود را از دستگیری و کشورگشایی برانداختن شیطان پرستی از صفحه زمین و اشاعه اسلام اعلام می‌دارد و هر جا مردم به خدایپرستی بگردند و مسلمان شوند، دست از ایشان بازدارد. البته این حرف چندان با موازین شرعی و عرفی نیز ناسازگار نیست. مراد از اسلام نه تنها دین حنیفی است که رسول عربی بدان برانگیخته آمد هر دینی به عقیده ما مسلمانان تا روزی که از جانب پیغمبری دیگر نسخ نشده است، اسلام نامیده می‌شود و از همین روست که ابراهیم خلیل الله جد رسول اکرم و نیای قوم عرب از مشرکان تبری می‌جوید و خود را مسلم می‌خواند. به هر حال با این تعبیر، اسلام به معنی دین درست و یکتا پرستی است و یکی از رسالت‌های تاریخی و خدایی قهرمانان حماسه‌ها و داستان‌های عامیانه، اشاعه اسلام است» (محبوب، ۱۳۹۳: ۱۲۴۳-۱۲۴۴). در ادامه ابیاتی بیان می‌شود که بیانگر اصل تبلیغ دین در سام‌نامه است.

ز بت روی برتاب و شو یار سام
وگر نه هم‌اکنون شوی تیره‌کام
(ناشناس، ۱۳۸۶: ۳۵۰)

بیا روی برتاب از کیش بت
از این پس ستایش مکن پیش بت
(همان: ۳۴۲)

خدای جهان را پرستنده گرد
همه رسم و آیین بت درنورد
(همان: ۳۳۱)

۱-۲-۴ دین مخالفان و معارضان سام

گاهی به طور اندک به دین و گرایش مذهبی دشمنان سام اشاره شده است. در سایر موارد تنها با فضای داستان و رفتار سام، یکتاپرست نبودن ایشان آشکار می‌شود. گستره دین معارضان سام چندان وسیع نیست؛ بارزترین و ملموس‌ترین آنها بت پرستی است که به سبب پیشینه و بستر فرهنگی که سام‌نامه از آن برخاسته، کاملاً بدیهی است. توت‌پرستی و شیطان‌پرستی نیز از گرایش‌های دیگر مخالفان سام است و سام وظیفه دارد آنها را به آیین یکتاپرستی فراخواند.

الف) بت پرستی مخالفان سام

دشمنان بت پرست سام بتی به نام لات را می‌پرستند. انتخاب این نام با توجه به دین سرایندگان این اثر و ژرف ساخت

ذهنی ایشان است که مطابق با اسلام و حواشی آن پردازش شده است. در *سام‌نامه* چندین بار از این بت یاد می‌شود:

همان دم قسم یاد کردم به لات به زنار و رهبان دهر سومنات

(همان: ۳۲۱)

یکی یاد کن در جهان خشم لات که گر کام جویی نبینی ثبات

(همان: ۳۲۲)

ب) پرستش ابلیس از سوی نیمه‌تنان

پرستش ابلیس یا شیطان در طول تمدن بشری در جوامع مختلف به شکل‌های گوناگون رخ نموده است. گروهی از اندیشمندان معتقدند به تدریج جوامع بشری به سبب انحراف از تعالیم پیامبران بر آن شدند که همیشه تدبیر جهان به دست خداوند بخشنده و مهربان نیست؛ بلکه گاهی نیروهای شر و شیطانی نیز در امور جهان دست دراز می‌کنند و بر سود و زیان انسان مسلط می‌شوند. باور به اینکه شر و شیطان به طور مستقل سرچشمه قدرت و اثر در عالم است، به باورهای دوگانه‌گرایی در الوهیت و ربوبیت انجامید؛ مردم گمان کردند تنها با نیایش خدای خیر و رحمت منافعشان تأمین نمی‌شود و لازم است نیروهای شر را نیز بستایند و برای تعظیم و تجلیل شیطان نیز برنامه‌هایی داشته باشند تا از اراده شوم شیطانی در امان بمانند (دورانت، ۱۳۷۶: ۶۲-۸۱).

سام در بخشی از سفر خود با نیمه‌تنان کافر و سرکش روبه‌رو می‌شود و با ایشان نبرد می‌کند. آنان ابلیس را نیایش می‌کنند و بزرگ می‌شمرند:

جز ابلیس دیگر ندانیم کس شناسیم او را به گیتی و بس

(ناشناس، ۱۳۸۶: ۴۶۱)

ج) شیرپرستی عالم‌افروز پری

شیرپرستی را گونه‌ای از توت‌پرستی می‌توان دانست. توت‌پرستی نظامی از باورهاست که در آن به نوعی ارتباط معنوی و خویشاوندی بین گروهی از انسان‌ها با یک موجود فیزیکی دیگر موسوم به توت‌سخن می‌رود (گولد و کولب، ۱۳۸۴: ۲۷۴). توت‌میسیم یکی از اعتقادات و باورهای باستانی است که از نمونه‌های آغازین ادیان بشر شمرده می‌شود. در این دین، گیاهان و حیوانات ویژه ای تقدس و سپندینگی دارند و برای آن نیروهای ماورایی در نظر می‌گیرند. معیشت انسان‌های باستان، استفاده از جانوران گوناگون را ایجاب می‌کرد؛ به همین سبب آنان زندگی خود را مدیون این گیاهان و حیوانات می‌دانستند. این دین به تدریج به قداست و آیین‌های قدسی انجامید. این نظام باورمندی را توت‌میسیم و جانور قدسی را توت‌م می‌نامند (دورکیم، ۱۳۸۳: ۴۷). پرستش جانوران نیز از چنین نظامی سرچشمه می‌گیرد. در *اسکندرنامه* و *امیرارسلان‌نامه* نیز شیرپرستی دیده می‌شود: «راوی می‌گوید که صلصال‌خان را شیری بود که آن شیر را مردم ختا می‌پرستیدند» (منوچهرخان حکیم، ۱۳۸۸: ۲۶۶)؛ «تمام اهل این شهر شیرپرست‌اند» (نقیب‌الممالک، ۱۳۸۹: ۲۹۹). همچنین در *سمک عیار آمده است*: «بیرقی که نقش شیر داشت به او داده سپاهش را با ساز و برگ فراوان و ... آراست» (فرامرز بن خداد، ۱۳۸۸: ۸۳). در *سام‌نامه* نیز عالم‌افروز پری، شیرپرست است:

پری گفت آگه شو از کار ما به گیتی بود شیر دادار ما

به آن پیکر شیر که اویم خداست که با تو نگویم سخن غیر راست

(ناشناس، ۱۳۸۶: ۲۹۸)

شخصیت عالم افروز با شخصیت الهه ایشتر (الهه آشوری، بابلی) درخور مقایسه است. ایشتر الهه عشق و جذابیت جنسی و جنگ است و حیوان مقدس او شیر است (مک کال، ۱۳۷۵: ۳۵): «ایشتر را به‌گونه‌ای نشسته بر گردونه‌ای نمایانده‌اند که هفت شیر آن را می‌رانده‌اند» (ژیران، ۱۳۷۵: ۷۴).

۲-۲-۴ دگرگونی نقش قهرمان داستان از یک شخصیت ملی به غازی در بخش‌های پایانی

به سبب تغییر سبک ادبی (چه صوری و چه محتوایی) آشکارا نمایان است که بخشی از سام‌نامه مربوط به دوران متأخرتر است. سام در این بخش از یک قهرمان و پهلوانی که قصدش از نبرد دستیابی به پریدخت یا به‌گونه‌ای گسترده‌تر در برخی بخش‌ها نجات جان انسان‌ها و تمدنی از شر یک پتیاره و دیو یا اژدهاست، ناگاه به قهرمانی تبدیل می‌شود که طرف مقابل را به سبب کفر، سرزنش می‌کند و او را به یکتاپرستی فرامی‌خواند؛ سام علت نبردش را نیز بر این اصل استوار می‌کند و به‌طور ضمنی سبب سقوط و نابودی حریف را کفر او می‌داند. نمونه‌هایی از این تغییر و دگرگونی در پهلوانان داستان‌های متأخر و داستان‌های تحت تأثیر و نفوذ نقالان دیده می‌شود؛ به‌گونه‌ای که ذبیح‌الله صفا درباره یکی از این آثار چنین می‌نگارد: «گذشته از آنکه اصل داستان و موضوع در بسیاری موارد، به شکل عجیبی تحت تأثیر عقاید ایرانیان عهد اسلامی قرار گرفته است، فکر تازه و خاصی رخنه یافته و آن در آمدن رستم است به صورت کسی که در راه توحید، جهاد کند و همه جا برای شکستن لات و عزیزی بجنگد... رستم در این داستان، مردی موحد و فیلسوف است و از راز توحید خبر دارد و چون پهلوانان دین اسلام با لات و عزیزی و معتقدان آنها نبرد می‌کند و این چنانکه می‌دانیم اثر بیّن و آشکار افکار اسلامی و نفوذ اسلام است در داستان‌های ملی ایران» (صفا، ۱۳۸۷: ۳۲۷).

۳-۲-۴ دعوت به دین اسلام و مبارزه با کفر در سام‌نامه

در این داستان‌ها دیگر از ارزش‌هایی مانند پاسبانی از وطن در برابر تهاجم بیگانگان نشانی دیده نمی‌شود؛ بلکه عامل اصلی در وعده و وعیدها، فراخواندن به خدایپرستی و در اندازها و تهدیدهای به مرگ، پذیرفتن یکتاپرستی است.

۱-۳-۲-۴ یکتاپرست بودن مقتدا و سرور سام

در سام‌نامه رأس اصلی هرم یعنی پادشاهی که سام تحت امر اوست و فرّه‌خدایی دارد، یکتاپرست است:

منوچهر دادار را پیرو است به روی جهان شهریار نو است

(ناشناس، ۱۳۸۶: ۵۸۲)

۲-۳-۲-۴ دعوت به یکتاپرستی نیروهای مقابل

در مسیرها و سفرهایی که سام می‌پیماید و در برابر او همواره دشمنان و نیروهای شر قرار دارند. سام به بهانه‌های مختلف با آنان مبارزه می‌کند و علت این نبردها و مبارزه‌ها تا مرحله‌ای از داستان، رفع موانع در مسیر وصال پریدخت است و پس از آن اهدافی انسانی مانند نجات جان انسان‌ها و قلمرو آنها از تجاوز نیروهای شر و بدی است؛ در این بخش‌ها اصلاً به آیین دشمن و نیروی مقابل اشاره‌ای نمی‌شود؛ به‌ویژه در قسمت‌های نخستین که اصالت بیشتری دارد و ساخته و متعلق به دوران متأخر نیست؛ اما در ادامه و در قسمت‌های متأخر، انگیزه نبردها دعوت به یگانه‌پرستی است که نمونه‌هایی از آن در ادامه بیان می‌شود.

الف) عالم‌افروز پری

عالم‌افروز پری از ابتدای داستان با سام همراه است؛ اما کافر بودن او و دعوت او به یکتاپرستی در بخش‌های پایانی

مطرح می‌شود. در واقع در ابتدای داستان هیچ‌گونه اشاره‌ای به دین و آیین او نشده است. در این بخش بحث دعوت به یکتاپرستی میان عالم افروز و سام مطرح می‌شود و سام فقط به این شرط می‌پذیرد او را کامروا کند که از پرستش شیر دست بردارد:

جهان‌آفرین را ستایش نما که او بر دو گیتی بود رهنما
خدایی که افلاک بر پای کرد خرد را ز دلبر همی جای کرد
(همان: ۲۹۸)

سرانجام برای فریب عالم افروز (فراهم‌شدن موقعیت برای کشتن عالم افروز) شرط کام‌دهی را این می‌داند که درباره کیش سام هیچ سخنی به میان نیاورد؛ زیرا عالم افروز نیز سام را به آیین شیرپرستی فراخوانده بود:

و لیکن به شرطی که از کیش من نگویدی سخن هیچ در پیش من
(همان: ۶۳۸)

ب) شداد عاد

برجسته‌ترین دشمن سام در این باره شداد است. برپایه روایات اسلامی، شداد بن عاد بن ارم، یکی از دو فرزند عاد بود که ادعای خدایی داشت. برپایه آیات ۶ تا ۸ سوره فجر، او برای مقابله با بهشتی که در دین خدا وعده داده شده بود، باغ و قصری در صحرای عدن، بین صنعا و حضرموت، ساخت. وقتی ساخت قصر تمام شد، به اندازه یک شبانه‌روز راه مانده بود که به آنجا برسد، اما خدا عذایی بر آنها فرستاد و نابودشان کرد (ر.ک: خزایی، ۱۳۷۱: ذیل ارم؛ طبرسی، ۱۳۷۹ق، ج ۱: ۴۸۶). شداد ادعای خدایی دارد و سام را کافر به خویش می‌داند. نبردهای میان او و سام کاملاً وجهی غازیانه یافته است؛ زیرا در این بخش از داستان، پریدخت اسیر ابرهاست و سام برای رسیدن به وصال، باید با دیو ابرها نبرد کند؛ اما به ناگاه سام در قالب یک مبلغ مذهبی و غازی آشکار می‌شود و نبردهای سنگینی در این راه رخ می‌دهد.

ج) سایر افراد

سام افزون بر شداد و عالم افروز بسیاری دیگر را به یکتاپرستی فرامی‌خواند. گروهی از آنها ایمان می‌آورند و این سبب رستگاری آنها و رسیدن به پادشاهی و مقام‌های بالا و وصال آنان به شکرلبان زیباروی می‌شود؛ مانند قمرتاش و تکش خان و دستور پیر و شاپور و...؛ اما گروهی نیز مقابله می‌کنند و بر آیین خود اصرار می‌ورزند که به کشته‌شدن آنها به بدترین شکل می‌انجامد؛ مانند زرینه‌بال، سگسار، عاق جادو، شدید، شاه نیمه‌تان و تعدادی دیگر از دیوان و جادوان. در این میان فغفور چین کسی است که در ظاهر و برای فریب سام به آیین سام گردن می‌نهد؛ اما سرانجام چون ایمان او راستین نیست، به دست سام نابود می‌شود.

۴-۲-۴ عملکرد یاران سام در جایگاه غازی و مبلغ

افرادی مانند تکش خان و قمرتاش چون خود فرمانروا هستند، پس از پذیرش یکتاپرستی، لشکریان و مهان و بزرگان سرزمین خود را نیز به آیین جدید فرامی‌خوانند و اگر کسی از پذیرش این آیین سر باز زند، او را شایسته مرگ می‌دانند.

۵- شیوه‌های تأثیر مذهب در بخش‌های مختلف سام‌نامه

در برخی از حماسه‌های ملی مانند شاهنامه به سبب روایت کهن و اصیل آن، این تأثیرپذیری کمتر دیده می‌شود. البته

این تأثیرات وجود دارد؛ زیرا فردوسی شاعری مسلمان و معتقد است و خواه‌ناخواه اندیشه‌های اعتقادی‌اش در اثرش نمایان شده است. پهلوانان در حماسه‌های ملی ایران بیشتر نقش یک پهلوان ملی را دارند که برای دفاع از وطن خود در برابر تهاجم بیگانگان صف‌آرایی می‌کنند. اگر آنان با انواع ازدها و دیگر پتیارگان نبرد می‌کنند، باز هم هدفشان یاری مردم و زدودن این آفات از کشور و یا رسیدن به اهداف شخصی‌شان (مانند وصال معشوق) است؛ هدف آنان هرگز تبلیغ و گسترش دین و مذهب نیست.

با گذر زمان و نفوذ اسلام، عناصر مذهبی در درون این داستان‌ها نفوذ کرد و آنها را تحت تأثیر قرار داد. این نفوذ افزون بر مضامین و بن‌مایه‌ها و روند داستان، در آرایه‌ها و صورخیال هم تأثیر گذاشت که البته بحث درباره آن مجال گسترده‌تری را می‌طلبد.

۱-۵ تأثیرات درونمایه‌ای و مضمونی

تأثیرگذاری محتوایی مذهب در سام‌نامه، اندک است و آن هم در بخش متعلق به دوران متأخرتر دیده می‌شود. به‌طورکلی در سراسر منظومه بیشتر تأثیر ظاهری نمایان است که البته آن هم در مقایسه با برخی حماسه‌ها و منظومه‌های متأخرتر چندان نمودی ندارد.

۱-۱-۵ بازتاب اعتقادات توده مردم نسبت با ایدئولوژی

اصولاً ایدئولوژی و مذهب خاستگاه عقاید و آداب و رسومی در میان عامه مردم است که دین اسلام و مسلمانان نیز از آن جدا نیستند. در سام‌نامه نیز مانند بسیاری از آثار ادبی، اعتقادات و مسائلی از تفکرات عامه و توده مردم جلوه‌گر شده است که بازتاب دین اسلام و احکام و شرایع مذهبی است. نمونه‌هایی از این مطالب را می‌توان در عنوان‌های زیر بازجست.

۱-۱-۱-۵ اسم اعظم

بزرگ‌ترین نام خداوند را اسم اعظم می‌گویند. آن را باطل‌السحر برشمرده‌اند و برخی پژوهشگران اندیشه آن را به پیش از اسلام وابسته دانسته‌اند (ر.ک: سجادی، ۱۳۸۳: ۹۵؛ صفا، ۱۳۶۹: ۳۲۸). از کارکردهای آن به نمونه‌های زیر می‌توان اشاره کرد:

الف) گشاینده طلسم

در آن بود نام یزدان ده اسم کز آن نام‌ها بود برپا طلسم
چو بر خواند نام خداوندگار برآسود از گگردش روزگار
(ناشناس، ۱۳۸۶: ۳۷۹)

ب) بازکننده در

چو برخواند نام خدای جهان در بسته شد باز ناگهان
(همان: ۳۷۹)

ج) گذرکردن از آتش به سلامت

برافراخت سر مرد بی‌هوش را گذر کرد ز آتش به نام خدا
(همان: ۳۸۰)

د) نجات از دریای ژرف

نوشته چنان بود کان نام حق کز اوی است یکسر جهان را سبق
چو برخوانی از روی دریای ژرف بینی یکی زورقی بس شگرف
(همان: ۳۸۰)

۵-۱-۱-۲ اعتقاد به گریزان بودن دیو و اجنه از نام خدا

یادکردن از خداوند و به زبان آوردن نام «الله» از اعتقادات اسلامی است. مسلمانان با این عمل به خداوند بزرگ پناه می‌برند؛ همچنین از شیطان رجیم، از طایفه جنیان، به خدا پناه می‌برند. حافظ نیز به این موضوع اشاره دارد: «دیو بگریزد از آن قوم که قرآن خوانند». این نکته افزون بر اینکه در دین اسلام و اعتقادات مسلمانان رایج است در اوستا و اندیشه های زرتشتی نیز دیده می‌شود: «ای زرتشت این گفتار فرو فرستاده را... به آواز بلند برخوان آنگاه... پریانی که به کارهای پریانه دست زند بهراسند و روی در گریز نهند» (اوستا، ۱۳۷۵: یشتها، کرده ۱، بند ۶).

به فرمان یزدان کیهان خدیو برآرم دمار از تن نره دیو
چو دیوان شنیدند نام خدا ز اندیشه جستند یک یک ز جا
(ناشناس، ۱۳۸۶: ۶۵۴)

چو نام خداوند او را به گوش بلرزید دل در بر تیره هوش
(همان: ۴۷۵)

۵-۱-۱-۳ از جانب خدا بودن حکومت و قدرت و پهلوانی سام

این مسئله در ایران باستان با عنوان فره ایزدی مطرح است و در سیر دگرگونی تاریخی‌اش در دوران اسلامی با عنوان ظل‌اللهی برای پادشاهان ادامه می‌یابد (ر.ک: قائمی: ۱۳۹۰؛ سودآور: ۱۳۸۳؛ دلیر: ۱۳۹۳). سام نیز تحت تأثیر این نگرش، فره ایزدی دارد که از اجداد خود به ارث برده است. او خداپرست و یزدان‌شناس است و به یاری تأییدات او دشمنان را که بیشتر دیوان و دیوزادگان اهریمنی‌اند درهم می‌شکند، می‌کشد و اسیر می‌کند؛ حتی اثر افسون و جادوی آنها را بی‌اثر می‌زداید:

مرا فره بخشید یزدان پاک که تا این روان را کنم سینه چاک
(ناشناس، ۱۳۸۶: ۱۹۶)

ز نیروی یزدان نترسم ز کس ندارد به من هیچ کس دسترس
جهاندار دادار یار من است سر اختر اندر کنار من است
(همان: ۲۴۰)

تو را زور و فرّ و توان و شهی ولی هرکسی را که خواهی رهی
سپاس از تو دارم ای کاردگار که کردیم اینجا تو فیروزگار
و گرنه مرا کی بدی فرهی که سازم جهان را ز دیوان تهی
(همان: ۱۲۵)

۵-۱-۲ نفوذ احکام و قواعد فقه در سام‌نامه

در میان رخدادهای داستانی و ابیات منظومه، گاه قواعد و احکام اسلامی نیز نمود دارد. بدیهی است تحت تأثیر اینکه بستر سرایش منظومه، جامعه‌ای اسلامی است، قواعد حاکم بر تفکر سرایندگان در میان ابیات راه می‌یابد و حضور این مسائل ناگزیر به نظر می‌رسد.

۱-۲-۱-۵ لازم‌بودن اجازه پدر در ازدواج دختر

برخلاف متون حماسی متأخر دیگر، در بخش‌های ابتدایی که ویژگی‌های اصالت اساطیری برجسته‌تر است؛ ابراز عشق از بانوان نمود بیشتری دارد.

ابراز عشق شمسه خاوری:

پس آنگه رخ آورد و با سام گفت
دلم چون فتاده است در قید تو
که ای ماه با روی خوب تو جفت
تو صید دگر گشته ما صید تو
(همان: ۶۰)

ابراز عشق عالم‌افروز پری:

که ای نامور کام من کن روا
ممان تا ز هجران شوم بینوا
(همان: ۵۳)

این ابراز عشق از بانوان برخلاف حماسه‌های برساخته است. در این حماسه‌ها تأثیر ویژگی‌ها و اصول مذهب رایج را می‌توان دید. در این آثار بانوان ابراز عشق نمی‌کنند؛ حتی بانوی معشوق در پاسخ به پهلوان عاشق، وصال را به اجازه پدر پیوند می‌زند. اصل اجازه پدر برای ازدواج در این صحنه‌ها نمود دارد؛ برای مثال در *جهانگیرنامه*، دلنواز پس از آنکه درمی‌یابد رستم از او خواستگاری کرده است، به کنیز خود چنین می‌گوید:

به نزدیک رستم بر از من پیام
بود اختیارم به دست پدر
بگویش که ای سرور نیک‌نام
ز فرمان او کی کشم سر به در
برو نزد بابم خریدار شو
به نزدیک اویم خریدار شو
(مادح، ۱۳۸۰: ۲۴)

۱-۲-۲-۵ کاربرد حکم فقهی تقیه

تقیه از احکام فقهی در شریعت است که در مذهب تشیع رواج دارد و منظور از آن پنهان کردن مذهب و دین در زمانی است که بیم جان باشد. شیخ مفید تقیه را این‌گونه تعریف می‌کند: «التقیه کتمان الحق و ستر الاعتقاد فیه و مکاتمة المخالفین و ترک مظاهرتهم بما یعقب ضررا فی الدین و الدنیا» (دهخدا، ۱۳۳۸: ذیل تقیه).

چو آن دید قلواد خیره مانند
نهانی همی نام یزدان بخواند
(ناشناس، ۱۳۸۶: ۵۰۴)

۱-۳-۱-۵ تأثیر فلسفه مذهب و علم کلام (علوم زیر مجموعه مذهب) در سام‌نامه

هر ایدئولوژی و مذهب، ناگزیر فلسفه و اندیشه‌ای در ژرفا و بنیاد خود دارد که همراه با پذیرش آن آیین، تفکرات فلسفی بنیاد آن نیز در اندیشه‌گردندگان راه می‌یابد و به ایجاد علوم جدید در آن مذهب می‌انجامد. بدیهی است این باورها در ادبیات و هنر یعنی جلوه‌گاه اندیشه انسانی نیز آشکار می‌شود.

۱-۳-۱-۵ تقدیر و جبرگرایی

در شعر و ادبیات فارسی اندیشه جبری و اعتقاد به تقدیر، تفکری غالب است و حتی شاعران شیعی مذهب مانند فردوسی، کسایی، ناصر خسرو و ابن‌یمین نیز کمابیش در آثار خود جبری هستند (صفا، ۱۳۶۹، ج ۱: ۱۸۰). در متون حماسی، تقدیر از ویژگی‌های ساختاری است و به همین سبب فردوسی نیز در داستان‌هایش با اندیشه‌ای جبرگرایانه

ظاهر می‌شود؛ البته برخی از صاحب‌نظران بر این باورند که شاید اعتقاد بسیار به تقدیر در شاهنامه برخاسته از نفوذ اندیشه‌های زروانی باشد. این اندیشه در زمان ساسانیان تأثیر بسیاری بر افکار ایرانیان گذاشت (کوربان‌گلی، ۱۳۷۰: ۴۴۱؛ کریستین‌سن، ۱۳۱۷: ۳۰۵؛ هینلز، ۱۳۸۴: ۱۱۵).

اگر دور گردون مرا دم دهد	درین روی دریا گشادم دهد
به دست آرمش من به هر جا که هست	به حکم خداوند بالا و پست
	(ناشناس، ۱۳۸۶: ۳۰۸)
مرا دور گردون جهانگرد کرد	سپهر سیه‌رو رخم زرد کرد
مشو تیز بر من که چرخ بلند	به دام پریدختم تندر فکند
	(همان: ۲۴۶)
مرا راه بنمای بر چشمه‌سار	بین تا چه خواهد دگر کردگار
	(همان: ۶۵۶)

۱-۳-۱-۵ بی‌اعتباری دنیا و حقیقت مرگ

ادبیات فارسی در سراسر عمر خود و در همه انواعش تجلی‌گاهی برای تفکر بی‌اعتباری دنیا و حقیقت مرگ است. در ادبیات حماسی و در رأس آن در بیشتر داستان‌های شاهنامه نیز این تفکر وجود دارد و خواننده را به بیداری و درس‌گرفتن از روزگار فرامی‌خواند. قدمعلی سرامی، شاهنامه پژوه معاصر، سخنی زیبا دارد: «شاهنامه چون تسبیحی است که گرداننده به هنگام گذراندن هریک از دانه‌هایش خود را ناگزیر از استرجاع می‌بیند. سرگذشت تسلسل رنج آدمیزاد از خشت تا خشت است. داستان شاهانی است که یکی پس از دیگری بر تخت می‌نشینند و بر تخته تابوت می‌افتند» (سرامی، ۱۳۹۲: ۶۰۵).

چنین گفت سام نریمان گرد	که ای پهلوانان بادستبـرد
نمیرد کسی بی اجل در جهان	نه زنده توان رفت بر آسمان
نشد جانور رسته از چنگ مرگ	در این باغ نی شاخ ماند نه برگ
پس آن به که نام نکو یادگار	بماند ز ما تا بسی روزگار
	(ناشناس، ۱۳۸۶: ۲۸۷)

۱-۴-۱-۵ نسبت آموزه‌های اخلاقی با دین در سام‌نامه

اخلاق گاهی به معنای شیوه‌های رفتاری یک فرد، گروه یا جامعه است که برخاسته از یک نظام ارزشی باشد و گاهی مرادف با خوش‌رفتاری دانسته می‌شود (رضوی بهابادی و حسن‌پور، ۱۳۷۴: ذیل واژه اخلاق). با نظری گذرا به درون‌مایه شعر گذشته آشکار می‌شود که در این قلمرو وسیع از ذوق و اندیشه، هرچه مقدس، محترم، والا و زیباست، ستایش می‌شود و همه ناشایست‌ها، رذایل و آنچه موجب سقوط اخلاقی انسان است، نکوهش خواهد شد (رزمجو، ۱۳۸۲: ۲۶۱). سام‌نامه نیز در راستای این سنت تاریخی و ادبی ره می‌پیماید؛ شاهد این سخن نمونه‌هایی است که در ادامه بیان می‌شود.

۱-۴-۱-۵ پرهیزدادن از دروغ‌گویی و تشویق به راست‌گویی

زبان را می‌الا به گفت دروغ مکن خیره شمع خرد بی فروغ

برآورد زبان از پی راستی همان به بود از کم و کاستی
(ناشناس، ۱۳۸۶: ۱۹۹)

۵-۱-۲ تشویق به وفای به عهد

که پیمان چو کردی ز پیمان مگرد که پیمان شکن نیست آزاده مرد
(همان: ۶۶۲)

۵-۱-۳ پرهیز دادن از دو رنگی، بخل، حق‌ناشناسی و مردم‌آزاری

دگر چار چیز است کار بدی که تابد تو را از ره ایـزدی
دورنگی و حق‌ناشناسی بود بر این رو همه ناسپاسی بود
سیم بخل کو از همه بدتر است و گر دور باشی از او درخور است
چهارم دل کس میازار هیچ که بدتر نباشد ز آزار هیچ
(همان: ۴۰۸)

نمونه پندهای اخلاقی بسیار است. از آن جمله به لوح تهمورث (همان: ۵۴۵) می‌توان اشاره کرد که در آن پندها و نصایح اخلاقی بسیاری آمده است؛ افزون‌بر اینکه نمود اخلاقیات در سراسر متن سام‌نامه درخور بررسی است.

۵-۲ اشارات و و چشمزدهای قرآنی و اسلامی در سام‌نامه

افزون بر تأثیرات درونمایه‌ای و مضمونی از مذهب، گاهی دامنه تأثیرات به اشارات و تلمیحات، کشیده می‌شود که البته با دیدی گسترده می‌توان به نمونه‌های ذیل در این باره اشاره کرد:

۵-۲-۱ کاربرد واژه‌های پارسی معادل مفاهیم و اصطلاحات اسلامی و قرآنی

هنگامی که سام از نیایش و ستایش خداوند سخن می‌گوید از واژه‌هایی استفاده می‌کند که بر زبان پارسی‌گویان جاری است؛ اما در پس همین کلمات باستانی صفاتی از خداوند به تصویر کشیده می‌شود که از بطن قرآن درآمده است:

مرا جز خدا نیست گفت و شنود خدایی که او هست و پیوسته بود
از او گشت پیدا زمین و سپهر همان نیز بهرام و ناهید و مهر
(همان: ۵۰۵)

آیه‌های «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ» (از او گشت پیدا زمین و سپهر) (سجده: ۴) و «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ» (او هست و پیوسته بود) (بقره: ۲۵۵) در این ابیات جلوه‌گر است.

همی گفت کای پاک پروردگار همه نیک و بد از تو آید به کار
به گیتی تویی جان‌ده و جان‌ستان که بر ما همی تیره شد آسمان
(ناشناس، ۱۳۸۶: ۶۳۴)

«سبحان الله» (پاک پروردگار) (مؤمنون: ۹۱)، «یحیی و یمیت» (جان‌ده و جان‌ستان) (مؤمنون: ۸۰)، «خلقت الخیر قبل الشر» (همه نیک و بد از تو آید) (مجلسی، بی‌تا: ۱۸۲) نیز تعبیری قرآنی برای این اوصاف است.

۵-۲-۲ توصیف‌های اسلامی و قرآنی در تصویر بهشت و جهنم شداد

وصف بهشت شداد با به تصویر کشیدن قصرها و نهرهای زیر درختان و حوریان زیبارو یادآور اوصاف قرآن از بهشت است. همچنین دوزخ شداد با مالکان عذاب و دیوان آتش‌خور و آتش‌انداز (دیوی به نام سمندر که مرتبط با آتش است) و

آتش‌های عظیمی که هیزم آن آدمیان هستند، توصیفات قرآن کریم از جهنم را به ذهن می‌آورد (ناشناس، ۱۳۸۶: ۴۸۱-۴۹۰).

همه هیـزم او ز آدم بـدی ز یـداد او آدمی کم بـدی

(همان: ۴۸۲)

چهل قصر بودش همه پر گهر در و بام یکسر همه سیم و زر

(همان: ۴۸۸)

۳-۲-۵ تلمیح به داستان پیامبران

در ابیات *سام‌نامه* اشاره‌هایی نیز به داستان‌های پیامبران وجود دارد که البته بسیار اندک است. داستان حضرت آدم:

چو آدم به ناکام فرمان بهشت به کوه سرانندیب رفت از بهشت

ز کردار خود بود بی‌حد ملول شد از این دعا توبه او قبول

(ناشناس، ۱۳۸۶: ۳۷۹)

داستان حضرت ابراهیم:

ز یک پشه‌ای می‌کشد ژنده پیل روان کرده از صنع خود رود نیل

(همان: ۴۹۵)

داستان حضرت موسی:

چو موسی بیاید به پیغمبری ابا عوج سازد همی داوری

ستاند ز تن هوش این بدن‌زاد ز پیکار موسی دهد سر به باد

(همان: ۶۳۶)

۱-۳-۲-۵ حضور نداشتن جبرئیل و روح القدس اسلامی در نقش واسطه عالم غیب

ندای عالم غیب در سراسر *سام‌نامه* از سوی سروش باستانی است و هیچ‌یک از بیک‌های آیین اسلام در ابیات *سام‌نامه* وجود ندارند. گاه وظیفه پیش‌گویی‌ها بر عهده سیمرخ یا برهمنان و جمشید است که در عالم رؤیا بر سام ظاهر می‌شوند؛ اما در این باره عناصر اسلامی کارکردی ندارند:

به گوش آمدش ناگهان از سروش که ای سام فرخنده بگشای گوش

چنین گفت یزدان پروردگار که دادیمت فیروزی کارزار

(همان: ۵۶۱)

بدو داستان‌ها سراسر بگفت چو بشنید سیمرخ ازو در شگفت

بدو گفت اندیشه در دل مدار که ارقم ز تو کشته گردد نزار

(همان: ۵۶۰)

۲-۳-۲-۵ حضور ابلیس و جبرئیل دو بوده اسلامی با کارکردی نو در *سام‌نامه*

ابلیس در داستان جنگ با ابرها:

وگر نه به ابلیس با شر و شور که سازم تن بی‌روانش به گور

(همان: ۵۵۳)

جبرئیل در داستان شداد:

بفرمود تا دیو زرینه‌بال که جبرئیل خواندی و را بدسگال

(همان: ۳۳۱)

البته ابلیس و جبرئیل در اینجا به معنای متعارف به کار نرفته‌اند؛ ابلیس به جای اهریمن، سرکرده دیوان است. زرینه‌بال دیوی است که نقش جبرئیل را برای شداد دارد و همچنان که مول اشاره کرده ممکن است اینها نشان روایات کهنی باشد که از دوره ساسانی و زمان جنگ‌های زرتشتیان و مسیحیان ایرانی به جا مانده است (فردوسی، ۱۳۷۶: ۴۱ دیباچه)

به تن کوه البرز و خود رود نیل پس آنگه کند مر تو را جبرئیل

(ناشناس، ۱۳۸۶: ۵۸۱)

به پاسخ چنین گفت کای پاکزاد که من جبرئیلم به شداد عاد

خبرها رسانم ز شداد عاد بود پایه‌ام بر فلک سخت شاد

(همان: ۴۹۴)

این دیو توصیفات درخور توجهی دارد و وصف او در مقایسه با سایر دیوان فرشته‌گونه است:

گاهی زشت بود و گهی خوب‌چهر گهی بر زمین و گهی بر سپهر

زمانه گرفته همه پیکرش برافروخته هر دو یال زرش

به صورت به مانده مهر و ماه ابر ماه افشاند مشک تترار

کلاهی به سر پر ز لعل و گهر به گردن افکنده طوقی ز زر

(همان: ۴۹۲)

جز ابلیس دیگر ندانیم کس شناسیم او را به گیتی و بس

(همان: ۴۶۱)

اسم‌های دیگری نیز وجود دارد که از روایات اسلامی و حتی داستان‌ها و اسطوره‌های سامی برآمده است؛ مانند شداد، هاروت و

۴-۲-۵ کاربرد کلمات مستخرج از دین و احکام و شرایع آن

در این اثر افزون بر آنچه بیان شد، چند واژه آمده که در میان مسلمانان رایج است و شاید به اعتقادات نویسنده اشاره‌ای داشته باشد؛ از جمله زمانی که سام بر گرد قصر پریدخت می‌گردد، چنین می‌گوید:

درآمد به گرد حرم در طواف چو عنقا که گیرد نشیمن به قاف

بسی گشت بر گرد دیوار سام چو حاجی ابر گرد بیت الحرام

(همان: ۱۶۷)

۵-۲-۵ تلمیح به آیات قرآن کریم

تلمیح به آیات قرآن در این منظومه بسیار محدود و اندک است.

واژه «کن» در بیت زیر بر زبان قلواد که به آیه «وَإِذَا قُضِيَ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (بقره: ۱۱۷) اشاره دارد:

چو کن گفت شد بودنی چند و چون که او بنده را می‌شود رهنمون

(ناشناس، ۱۳۸۶: ۴۶۴)

این تأثیرات ظاهری و زبانی و گاه واژگانی در ساختار و طرح داستان و بن مایه و محتوا تأثیر گذار نیست و ساختار رایج در حماسه های ملی و اصالت آنها را چندان تغییر نمی‌دهد؛ اما گاهی درون‌مایه و ساختار محتوایی تحت تأثیر قرار می‌گیرد و تغییری در خور توجه در جریان معمولی حماسه‌های ملی ایجاد می‌کند.

۶- نتیجه‌گیری

بازتاب برخی مسائل ایدئولوژیک در اثر نویسنده، بدیهی و ناخودآگاه است. بازتاب این مسائل در آثار همه نویسندگان ناگزیر است و دیدگاه‌ها، مذهب و نگرش صاحب اثر را نشان می‌دهد؛ این نگرش‌ها درحقیقت، نتیجه رسوب میراثی است که قرن‌های طولانی در ناخودآگاه تمدن بشر و جامعه نویسنده باقی مانده است؛ نگرشی که سیر اعتقادی مردم را در جامعه نویسنده و در طول تاریخی طولانی نشان می‌دهد. بسیاری از عنوان‌های طرح‌شده، تنها بیانگر اعتقادات و دیدگاه‌های نویسنده است و فلسفه و نگرش او را به تصویر می‌کشد؛ اما ترویج و تبلیغ دین در این اثر درحقیقت نوعی شگرد است تا مجوزی برای ادامه یافتن حماسه در این عصر باشد.

سام‌نامه را به سبب اصالت روایت، باید ترکیبی از بخش‌های تکامل‌یافته اساطیری و حماسی اصیل ایرانی دانست که با قسمت‌هایی از اسطوره‌های غیرایرانی و قطعه‌های ساخته و پرداخته ذهن نقالان همراه شده است. به همین سبب می‌توان گذر و سیر دگرگونی حماسه را در آن بررسی کرد. به زبان دیگر، سام یک شخصیت با پیشینه اساطیری و با اصالت است. ماجرای او در این اثر با داستان‌های حماسی و اساطیری مختلف در یک دوره تاریخی پیوند می‌خورد و در طول تاریخ با ماجراهای ساخته ذهن نقالان و راویان در دوره‌های متأخرتر ترکیب می‌شود تا مجموعه سام‌نامه کنونی به دست آید.

بخش‌هایی از سام‌نامه که عناصر مذهبی و مباحث تبلیغ و رواج مذهب در آن نمود آشکاری دارد، به دوران متأخر و زمانی مربوط می‌شود که مسائل مذهبی بر آرمان‌های ملی برتری داشته است. درحقیقت این بخش ساخته و پرداخته نقالان و راویانی است که داستان‌های حماسی ساختگی می‌آفریدند و مشتاق بودند تا سرانجامی نیک و سازگار با باورهای مذهبی خود و مردمان و مخاطبان‌شان ارائه دهند؛ زیرا با گذشت زمان حماسه‌های ملی بر پایه تمایلات ملی و پهلوانانی اساطیری، دیگر جایی در میان جامعه متعصب و مذهبی نداشت و محکوم به فنا بود؛ مگر آنکه با عناصر مذهبی ترکیب می‌شد و این ارکان را در خود آشکار می‌کرد. البته بخش‌های ابتدایی منظومه که بخش بیشتر آن سروده خواجوست، افزون بر فصاحت و زیبایی کلامی، اصالت‌های حماسی بیشتری دارد. قهرمان این داستان اهداف عالی و ملی‌گرایانه پهلوانان شاهنامه را ندارد؛ اما درهرحال هدف او نجات انسان‌ها و رسیدن به معشوق است که در ادبیات نیز پیشینه دارد و ساخته تخیلات نگارنده نیست.

منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- آیدنلو، سجاد (۱۳۸۸). *متون منظوم پهلوانی*، تهران: سمت.
- ۳- ----- (۱۳۹۰). «ویژگی‌های روایات و طومارهای نقلی»، *بوستان ادب*، سال سوم شماره اول، ۲۸-۱.
- ۴- ----- (۱۳۹۱). *طومار نقلی شاهنامه*، تهران: به‌نگار.

- ۵- اوستا (۱۳۷۵). گزارش و پژوهش جلیل دوستخواه، تهران: مروارید، چاپ سوم.
- ۶- خزایلی، محمد (۱۳۷۱). اعلام قرآن، تهران: امیرکبیر، چاپ چهارم.
- ۷- دلیر، نیره (۱۳۹۳). «فرهنگ سیاسی و مبانی نظری پادشاهی و سلطنت؛ بررسی تطبیقی فره ایزدی و ظل الهی»، *مطالعات تاریخ فرهنگی*، پژوهش‌نامه انجمن ایرانی تاریخ، سال پنجم، شماره بیستم، ۵۹-۳۹.
- ۸- دورانت، ویل (۱۳۷۶). تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، ع؛ پاشایی؛ امیرحسین آریان‌پور، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۹- دورکیم، امیل (۱۳۸۳). *صور بنیانی حیات دینی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: مرکز.
- ۱۰- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۳۸). *لغت‌نامه دهخدا*، تهران: دانشگاه تهران (افست).
- ۱۱- رزمجو، حسین (۱۳۸۲). *نقد و نظری بر شعر گذشته فارسی از دیدگاه اخلاق اسلامی*، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ۱۲- رستگار فسایی، منصور (۱۳۷۰). «یک داستان با دو نام»، مجموعه مقالات ویژه کنگره جهانی بزرگداشت خواجه‌ی کرمانی ج ۱، به کوشش احمد امیری خراسانی، کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۵۵۳-۵۷۴.
- ۱۳- رضوی بهابادی، حسن‌پور (۱۳۷۴). *فرهنگ زبان فارسی*، بهاباد: مهر دانش.
- ۱۴- رویانی، وحید؛ سید عباس محمدزاده (۱۳۸۶). «سام‌نامه از کیست؟»، *جستارهای ادبی*، شماره ۱۵۸، ۱۷۶-۱۵۹.
- ۱۵- ژیران، ف؛ لاکوته، گ؛ دلاپورت، ل (۱۳۷۵). *فرهنگ اساطیر آشور و بابل*، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تهران: فکر روز.
- ۱۶- سجادی، ضیاءالدین (۱۳۸۳). *فرهنگ اصطلاحات عرفانی*، تهران: طهوری.
- ۱۷- سرامی، قدمعلی (۱۳۹۲). *از رنگ گل تا رنج خار. شکل‌شناسی قصه‌های شاهنامه*، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۱۸- سرکاراتی، بهمن (۱۳۷۰). «سام نمونه‌ای یلان سترگ»، مجموعه مقالات ویژه کنگره جهانی بزرگداشت خواجه‌ی کرمانی ج ۱، به کوشش احمد امیری خراسانی، کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۶۸۵-۶۹۲.
- ۱۹- سودآور، ابوالعلاء (۱۳۸۳). *فره ایزدی در آیین پادشاهی ایران باستان*، هوستون (آمریکا): میرک.
- ۲۰- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۷). *حماسه‌سرایی در ایران*، تهران: فردوس، چاپ چهارم.
- ۲۱- ----- (۱۳۶۹). *تاریخ ادبیات ایران ج اول*، تهران: فردوسی.
- ۲۲- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۹ق). *مجمع البیان فی تفسیر قرآن*، تصحیح ابوالحسن شعرانی، تهران: کتاب‌فروشی اسلامیة.
- ۲۳- فرامرز بن خداد (۱۳۸۸). *سمک عیار*، تصحیح علی شاهری، تهران: نشر صدای معاصر.
- ۲۴- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۷۶). *شاهنامه*، تصحیح ژول مول، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، چاپ پنجم.
- ۲۵- قائمی، فرزاد (۱۳۹۰). «تحلیل انسان‌شناختی اسطوره فر و کارکردهای آن در شاهنامه فردوسی و اساطیر ایران»، *جستارهای ادبی*، سال چهل و چهارم، شماره ۱۷۴، ۱۱۳-۱۴۸.
- ۲۶- کتبی، محمود (۱۳۶۴). *تاریخ آل مظفر*، به اهتمام عبدالحسین نوائی، تهران: امیرکبیر، چاپ دوم.
- ۲۷- کریستین‌سن، آرتور (۱۳۱۷). *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران: اقبال.
- ۲۸- کوریانگی، ت (۱۳۷۰). «اعتقاد فردوسی به سرنوشت در شاهنامه»، *فردوسی و شاهنامه*، مجموعه سی و شش گفتار، به کوشش علی دهباشی، تهران: مدبر، ۴۳۶-۴۴۷.
- ۲۹- گولد، جولیس؛ کولب، ویلیام (۱۳۸۴). *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه محمدجواد زاهدی، تهران: مازیار، چاپ دوم.

- ۳۰- مادح، قاسم (۱۳۸۰). جهانگیرنامه، به کوشش ضیاءالدین سجادی، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران.
- ۳۱- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (بی‌تا). بحارالانوار ج ۱۱، قم: ناشر اسلامیه.
- ۳۲- محجوب، محمدجعفر (۱۳۹۳). ادبیات عامیانه ایران، به کوشش حسن ذوالفقاری، تهران: چشمه، چاپ پنجم.
- ۳۳- مک کال، هنریتا (۱۳۷۹). اسطوره‌های بین‌النهرین، ترجمه عباس مخبر، تهران: مرکز، چاپ سوم.
- ۳۴- منوچهرخان حکیم (۱۳۸۸). اسکندرنامه، تصحیح علیرضا ذکاوتی، تهران: سخن.
- ۳۵- نقیب‌الممالک، علی (۱۳۸۹). امیرارسلان نامدار، تصحیح سعید قایمی، تهران: نیما.
- ۳۶- ناشناس (۱۳۹۲). سام‌نامه، تصحیح وحید رویانی، تهران: میراث مکتوب.
- ۳۷- ناشناس (۱۳۸۶). سام‌نامه، تصحیح میترا مهرآبادی، تهران: دنیای کتاب.
- ۳۸- ندیم، مصطفی (۱۳۷۰). «شخصیت سام در سام‌نامه خواجه‌ی کرمانی و گذشته‌ی اساطیری آن»، مجموعه مقالات ویژه کنگره جهانی بزرگداشت خواجه‌ی کرمانی ج ۲، کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۲۵۶-۱۲۶۱.
- ۳۹- واردی، زرین؛ نظری اصطهباناتی، حمیده (۱۳۸۹). «بررسی ساختار اسطوره‌ای در داستان سام‌نامه»، نشریه علمی - پژوهشی پژوهشنامه زبان و ادب فارسی (گوهرگویا)، سال چهارم، شماره دوم، ۷۷-۱۰۲.
- ۴۰- هینلز، جان راسل (۱۳۸۴). شناخت اساطیر ایران، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران: چشمه.
- ۴۱- یونگ، کارل گوستاو (۱۳۸۱)، انسان و سمبول‌هایش، ترجمه محمد سلطانیه، تهران: جامی، چاپ سوم.